

حسینقلیخانی

در شمارهٔ صدو هشتاد و نه و صد و نود و پنجمین مجلهٔ هنر و مردم طی مقالهٔ "ریشه‌های تاریخی امثال و حکم" تحت عنوان "حسینقلیخانی" منشاء این مثل به دو روایت به دو شخصیت تاریخی منتسب شده است، یکی به روایت علامهٔ مرحوم دهخدا در "امثال و حکم" به حسینقلیخان ابوقداره والی پشتکوه لرستان در زمان ناصرالدین شاه قاجار و دیگری به روایت آقای کریم کشاورز به حسینقلیخان برادر فتحعلیشاه قاجار حاکم فارس که بر برادر طغیان کرد و شورش به راه انداخت و سرانجام هم منکوب و دستگیر و کور شد.

نگارنده منشاء سومی برای این مثل سراغ دارد و می‌پندارد که از دور روایت مذکور در فوق به اصالت نزدیک‌تر باشد. این شخصیت حسینقلیخان ایلیخانی بختیاری است که او هم معاصر ناصرالدین شاه قاجار است و در ۱۳۰۰ هجری قمری در اصفهان از جهان رفته و یا کشته شده است و اینک اشارهٔ مختصری به احوال و کارهایش:

حسینقلیخان ایلیخانی پسر جعفرخان پسر حبیب‌الله خان به نوشتهٔ عبدالحسین-خان لسان‌السلطنه ملک‌المورخین در کتاب "خلاصهٔ الاعصار فی تاریخ البختیار" یا "کتاب تاریخ بختیاری" که در سال ۱۳۲۷ هجری قمری تألیف شده و تقدیم حاج علیقلیخان سردار اسعد فرزند ایلیخانی گردیده: "آدم با وقار و باعرضه بود. ایل خود را با پنجهٔ آهنین نگاهداری نمود. مثل محمدتقی‌خان (ایلیخانی قبل از او) دزدی را موقوف نمود و راه کاروان را باز کرد و راه ساخت، کاروانسراها بنا نمود و خیال داشت که برای بازکردن راه تجارت انگلیس بین اصفهان و شوشتر با انگلیسها داخل مذاکره شود. ولی از آنجائیکه شخصیت افراد در ایران اسباب خطر است، خاصه در تحت سلطنت شاه حالیّه^۱ (مقصود ناصرالدین شاه است) که مصمم بود عقیدهٔ مرکزیت را قوت دهد، در سنهٔ ۱۸۸۲ (میلادی) حسینقلیخان که چندی قبل ظل‌السلطان را در کوه‌های خود شاهانه پذیرائی کرده بود به اصفهان دعوت شد و در آنجا به حکم شاهزادهٔ مهماندار خفه یا مسموم شد.

ظل‌السلطان مسئولیت را به گردن شاه انداخت. شاه هم اگر واقعا حکم نداده بود، بی‌اطلاع هم نبود ازین واقعه. در این اثنا اسفندیارخان پسر ارشد حسینقلیخان مقتول گرفتار و شش سال محبوس بود.^۲ حال میبینیم اعمال ایلیخانی را دیگران چگونه مورد نقد قرار داده‌اند:

مرحوم حاج میرزا عبدالغفار نجم‌الملک که بعدها نجم‌الدوله لقب گرفت و از رجال دانشمند و دقیق و از پایه‌گذاران تدریس بخش مهمی از علوم جدید است و رابط میان علوم قدیم و نوین به‌شمار می‌آید، از جانب ناصرالدین‌شاه قاجار مأموریت می‌یابد که به خوزستان سفر کند برای بازدید سد اهواز و بررسی هزینه و آلات و ادوات لازم برای بازسازی آن و ضمناً در دستورالعمل چهارده ماده‌ای وی تصریح شده بود که دربارهٔ اوضاع اجتماعی خوزستان و عمران و آبادی آنجا و نوع محصول و زراعت و راه‌ها و وضع ساکنان آنجا تحقیقات عمیق انجام دهد و در گزارش مأموریت خود همه را جزء به‌جزء عرضه بدارد. سفر نجم‌الملک از چهارشنبه بیست و دوم شهر ذی‌حجه ۱۲۹۸ تا یکشنبه چهاردهم رمضان ۱۲۹۹ هجری قمری طول می‌کشد. از طهران به قم و اصفهان و بروجرد و خرم‌آباد تا دزفول و شوشتر و اهواز و محمره (خرمشهر) و رامهرمز و تمام نواحی خوزستان حتی تا بصره می‌رود و از تمام مسیرها و نقاط خوزستان و راه‌های آبی آنجا و رودهایش نقشه برمی‌دارد و موقع سدها را بازدید و برآورد مخارج می‌کند و خود دربارهٔ بازسازی آن سدها و نوع زراعت و مناطق زراعی و تقسیم اراضی و اسکان ایلات و لزوم حفظ درختان و بیشه‌ها و بهره‌برداری از معادن زغال‌سنگ و نفت نظرات مفید می‌دهد. سپس از راه بختیاری پس از ملاحظه محل سد کوه‌رنگ و برآورد هزینه آن به اصفهان و قم می‌رود و سرانجام به طهران بازمی‌آید و گزارش سفر خود را با نقشه‌ها به صورت کتابچه مفصلی به عرص می‌رساند. اصل گزارش همراه نقشه‌ها در کتابخانه سلطنتی و رونوشت آن در اداره بیوتات است و خود نجم‌الملک از میان گزارش سفرنامه‌ای استخراج و تدوین کرده است که نگارنده آن را در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در طهران بچاپ رسانده است. اینک مطالبی از آن سفرنامه که مرور بر آن ما را در انتساب "مثل" مورد بحث به حسینقلیخان ایلیخانی بی‌گمان می‌سازد. نجم‌الملک می‌نویسد:

"... منزل دوم شوشتر روز شنبه بیست و دوم ربیع‌الاول. مسافت شش فرسخ. مدت حرکت شش ساعت و ربع. در اوقات عبور این بنده تمام جلگه را (جلگه) میان دزفول و شوشتر را (بختیاری گرفته بود. بختیاری در خاک خوزستان راه‌نداشت. ایلیخانی حسینقلیخان از سالی که در خوزستان رخنه نموده، مدت پنج‌ماه از زمستان و بهار ایلات بختیاری را می‌فرستد به صفحات خوزستان از حدود دزفول و رامهرمز و اهواز در تمام چمنزارها پراکنده می‌شوند. سکنه این ناحیه را خیلی ناگوار است ولی چاره ندارند غیر تمکین و سلوک و هیچ‌وقت از اوقات سال خاک خوزستان خالی از بختیاری نیست. همیشه در زوایای آنجا حتی تپه‌ای که هفت هشت نفر خانوار سکنه داشته باشد، ناچار یک نفر بختیاری به هر اسم و رسم باشد آنجا هست." ۴

جای دیگر می‌نویسد:

" در تمام خاک خوزستان هر طایفه که ملاقات شد شکایتش همین بود که حسینقلیخان بختیاری دیگر مادیاتی برای ما باقی نگذاشته، جز آنکه به هر نوع تدبیر بوده به تعارف یا به عنوان فروش گرفته ... " ۵

باز می نویسد :

"تمام ایل بختیاری پراکنده شده اند در خاک خوزستان ... و حال آنکه حقی ندارند" ۶ و نیز :

"حکومت خوزستان سه شاخه است : اسم و مترس یا نواب احتشام السلطنه است ، مداخل ولایتی داخل شوستر و دزفول با آقا محمد رضا پیشکار و میرزا بزرگ مستوفی است ، مداخل ایلات و امر ونهی و عزل و نصب شیوخ با ایلخان بختیاری حسینقلیخان و پسرش اسفندیارخان سرتیپ است . هر سال در اوایل حمل (= فروردین) مدت یک ماه دو ماه در خدمت نواب احتشام السلطنه می آیند در اهواز توقف می کنند برای وصول تنمه مالیات و بی زحمت اقلاً حداقل بیست هزار تومان نقد و جنس نموده مراجعت میکنند و آخر کار اگر نواب احتشام السلطنه تفنگی ، ساعتی ، مادیانی به دست آورده باشد آن را بستگان ایلخانی به هر زبان که باشد با خلعت و تن پوش و شال می گیرند ... " ۷

همچنین : " این اوقات بختیاری در خوزستان ریشه دوانیده و خوب تداخل می کنند . " ۸ عباراتی دیگر که ذکر همه آنها سخن را به درازا می کشاند در سفرنامه کم نیست . حتی موردی هست که می گوید حاکم باید با ایلخانی و برادرش ماشاۀ کند و گر نه اختیاری در امور نخواهد داشت . ۹

نجم الملک که مردی دوراندیش و درستکار و مأموری امین و معتقد به اصول و وطن - دوست است و پیش بینی می کند که گزارش صادقانه او نزد اولیای امور در همه مسائل احتمالاً با اهمیت و درخور اعتنا تلقی خواهد شد توضیح می دهد که نقد اعمال ایلخانی و کسان و بستگان و ایل او در اعمال ناروا و دست اندازیها به تمامی خوزستان در هر سال ، به طرفداری از حاکم وقت ناحیه یا بسبب دلگیری از ایلخان و بدسلوکی کسان او نیست و تصریح می کند که چون از هیچ جانب در هیچ زمان چشم داشت بود مادی نداشته است پس " تذکرات او نیست مگر محض اجرای تکالیف برای اطلاعات این سفر ، خالی از اغراض نفسانی " ۱۰

گفتم مرحوم نجم الملک از ایلخانی بسیار سخن گفته است . اما موردی هم هست که به احوال شخصی و خاندان و برادران و فرزندان از بازمی گردد که مرتبط با بحث ما نیست . ۱۰

مطالعه شرح فوق و توجه به نوع دست اندازی و تسلط بختیاریان بر نواحی مختلف

خوزستان و اقامت طولانی‌شان در طی سال در خوزستان و تجدید شدن آن اعمال‌درهر سال و در ضمن خانه یکی شدن با مردم، زورگویی و مال‌ربایی و مالیات‌گیری و شیخ‌نشانی و ریش‌سفیدبرداری و سلب آسایش از سکنه، بومی‌ان ناحیه ما را دل می‌دهد که این حسینقلی‌خان و کارهای ناروای هر ساله، تکرار شونده او را منشاء آن "مثل" بدانیم و تا بعدها هر دست‌اندازی و زورگویی وسیع و اعمال‌نفوذ و برهم‌زدن آسایش و غصب و نظر عمومی را به دوران حسینقلی‌خان منتسب سازند. و از آن مثل برای بیان نارواها و ستمها و توجیه تعدیها و چپاولها یاری بجویند.

اعمال حسینقلی‌خان ابوقدره بر ناحیه تحت حکومت خود او، اگرچه ظالمانه بوده است و همراه زورگویی و تعدی، اما او را مردم ناحیه از خود می‌دانسته‌اند نه بیگانه و آن اعمال را از حاکمی می‌دیده‌اند که سالیان دراز خاندانش بر ناحیه تسلط و فرمانروایی داشته‌اند و طبیعی است که امر ممتد مستمر نوعی عادت می‌آورد و سختی و ناروایی‌ها را ملایم می‌سازد و مجال برای اندیشیدن به وضع خوش و مطلوب در عین ناخوشی و تلخی باقی نمی‌گذارد. مضافاً به اینکه حاج نجم‌الملک در سفرنامه خود از این حسینقلی‌خان ابوقدره نیز سخن گفته است و از ایل پشتکوه، اما نه به‌عنوان تعدی و تجاوز بیش از حد، حتی یک جا تصریح کرده است که: "ایل پشتکوه ابوقدره در شدت تعدیات او (یعنی حسینقلی‌خان بختیاری) جلاء وطن کرده و رفته‌اند به قراء بسلاط عثمانی" ۱۱ و عمل حسینقلی‌خان برادر فتحعلیشاه هم در تاریخ ایران تشابه و امثال بسیار داشته است و هیچ موردی از آنها هم مثل نشده است تا این یکی بشود.

در حالی که گزارش نجم‌الملک و از میان رفتن حسینقلی‌خان بغاصله اندک پس از تسلیم آن به ناصرالدین‌شاه و عبارت تاریخ بختیاری در توجیه اعمال شاه وقت تلمیحا گویای این حقیقت است که شاه قصد داشته است به دوره تسلط ایلخانی در خوزستان یا به حسینقلی‌خانی بودن وضع آنجا خاتمه دهد و نویسنده تاریخ بختیاری هم این حقیقت یعنی نیت شاه را در لفاف کلمات برای ما بازگو کرده است. تا نظر خوانندگان گرامی بر کدام وجه قرار گیرد.

- ۱ - جمله داخل دو قلاب از نگارنده مقاله است.
- ۲ - مؤلف کلمه "حالیه" را برای زمان تصمیم ایلخانی راجع به مذاکره به کار برده است نه زمان تالیف کتاب آن‌چنان که ظاهر عبارت حکایت دارد.
- ۳ - تاریخ بختیاری ص ۴۰۹ و ۴۱۰ چاپ سنگی.
- ۴ - سفرنامه خوزستان چاپ نگارنده ص ۲۴
- ۵ - سفرنامه ص ۵۳ ۶ - سفرنامه ص ۷۴ ۷ - سفرنامه ص ۵۳
- ۸ - سفرنامه ص ۷۷ ۹ - سفرنامه ص ۵۲
- ۱۰ - سفرنامه ص ۸۴ و ۱۵۳ و ۱۷۰ ۱۱ - سفرنامه ص ۷۶

مکتب مینیاتور سازی ماوراءالنهر در قرن هفدهم میلادی

در طی سالهای اخیر در اطراف مکتب هنر مینیاتور سازی که در ماوراءالنهر در سده هفدهم موجود بود تحقیقاتی بوسیله دانشمندان مختلف بعمل آمده و اثرهایی نیز در آن مورد بچاپ رسیده است. این تحقیقات و اثرهای نشر یافته حاکی از آن است که پروسه رشد هنر مینیاتور سازی در ماوراءالنهر بمراتب بغرنج تر از آنست که محققین نیمه اول قرن جاری خیال میکنند. این محققین تصور میکردند که هنر مینیاتور سازی قرن شانزدهم در ماوراءالنهر انعکاس و ادامه ساده مکتب تصویر سازی هرات در اواخر قرن پانزدهم و اوائل قرن شانزدهم در هرات بسود. چون تاکنون در مورد موجودیت چنین مکتب در ماوراءالنهر طی قرن پانزدهم مدارک اطمینان بخشی در دست مانست، لذا نظریات این دانشمندان فقط در مورد پیدایش و آغاز موجودیت این مکتب قابل قبول میتواند باشد.

پروسه درونی رشد مکتب مینیاتور سازی ماوراءالنهر بالاخره در سالهای بیستم و سیام قرن شانزدهم منجر به پیدایش یک سبک جدید هنر مینیاتور گشت که نسبت به ترا دیسیون نقاشی هرات اشکال کمپوزیسیون اش ساده تر و محدود تر و رنگ آمیزش ملایم تر و کمرنگ تر بود. اما اواخر سالهای شصتم همان قرن دوران علنی انحطاط این مکتب آغاز میگردد، زیرا که کمپوزیسیون های آن دچار رکود و یکنواختی میشود، تحرک سست گشته و اسنادی حرفه ایش تنزل مییابد.

تذکر این نکته را لازم میدانیم که تعدد نسخ خطی موجوده ماوراءالنهر که نمونه های مینیاتوری قرن شانزدهم را همراه دارد، در ثلث آخر همین قرن نسبت به دو ثلث اول و دوم بمراتب تقلیل یافته است.

باین نکته ادگار بلوشه دانشمند معروف فرانسوی تقریباً پنجاه سال قبل پی برده و نوشت که مکتب مینیاتور سازی ماوراءالنهر در اواخر قرن شانزدهم انحطاط یافت و در اوایل هفدهم بمثابه یک مکتب دیگر وجود خارجی نداشت. این نظر دانشمند فرانسوی هنوز هم مورد تأیید تمام دانشمندان اروپائی محقق هنر مینیاتور سازی میباشد، زیرا هیچ یک از آنها تحقیقات خاصی در مورد این مکتب بعمل نیاورده است.

این نوشته مربوط به پانزده سال پیش است که آقای آکی موشکین در سفر خود به تهران در اختیار گذاشت. اینک بی تصرفی در اسلوب فارسی نویسی آن به چاپ می رسد. (آینده)

گذشته از این، طی ده سال اخیر مقالات مختلفی در اتحاد شوروی بچاپ رسیده که در بعضی از این اثرها این فرضیه که گویا مکتب مینیاتورسازی ماوراءالنهر در سده هفدهم نیز وجود داشته، بچشم میخورد. ولی دلیلی که مؤلفین این اثرها برای اثبات رساندن فرضیه خود ارائه میدهند، بعقیده ما کافی نیست. آنها این فرضیه خود را بر مدارک ذیل مبتنی داشته‌اند.

(۱) بر تصویرات یک نسخه خطی شاهنامه فردوسی که در سنه ۱۰۱۱ هجری قمری بخط محمد بن عزیزبخارائی نوشته شده است. در این نسخه خطی مجموعاً ۲۳ تصویر موجود است که تمام آنها در ماوراءالنهر نقاشی شده و از لحاظ سبک ارتباط نزدیکی با مکتب مینیاتورسازی ماوراءالنهر در سده شانزدهم دارد.

(۲) بر تصویرات نسخه خطی یوسف و زلیخا که در سنه ۱۰۲۴ هجری قمری بخط خوش محمد سعید بن میرزا محمد بخارائی نوشته شده است. این نسخه دارای ۵ تصویر است.

(۳) بر تصویرات نسخه خطی ظفر نامه شرف الدین یزدی که در سنه ۱۰۳۸ هجری قمری در سمرقند بخط کاتب ناشناس نوشته شده است. این نسخه خطی دارای ۱۲ تصویر است که چه از لحاظ سبک و چه از لحاظ ترسیم با مینیاتورهای فوق الذکر فرق فاحشی دارد.

علاوه بر این، تصویری نیز در دو ورقه موجود است که دانشمندان مدت‌هاست از وجود آن اطلاع دارند. در قسمت راست آن مینیاتور تصویر یک دختر و در قسمت چپ آن تصویر جوانی نقاشی شده است که بر هر دو تالی آن امضای محمد مراد سمرقندی مشاهده میگردد. این مینیاتور گرانها در این اواخر مورد توجه هنرشناسان قرار گرفته است.

لازم بتذکر است که برای اولین بار اسامی سه نفر از تصویر سازان ماوراءالنهری قرن هفدهم، یعنی خواجه گدا و خواجه مقیم و عوض محمد را تاریخ شناس شوروی مرحوم پ. پ. ایوانف در یکی از آثارش نشان داده است.

چون بین تصاویر فوق الذکر (با استثنای تصویرهای قید شده در بندهای ۱ و ۲) از لحاظ سبک هیچ وجه مشترکی موجود نیست و چون فقط ذکر اسامی نقاشان این تصاویر بدون تعیین زمان و مکان فعالیت آنها نمیتواند عملاً "برای تحقیقات مربوطه مدرکیت داشته باشد"، لذا بمیان آوردن مسئله موجودیت مکتب واحد مینیاتورسازی مخصوص ماوراءالنهر در قرن هفدهم هنوز زود بود. در این مورد برخی از دانشمندان شوروی باین نتیجه رسیده‌اند که هنر مینیاتورسازی در ماوراءالنهر در نیمه دوم قرن هفدهم بکلی فراموش گردیده و از بین رفته است.

لیکن در سالهای اخیر مدارک جدیدی که اغلب آنها تصویر است (این تصویرات بشکل آلبوم و غیره نشر میشود) بدست ما رسیده و این مدارک بما امکان میدهد که در مورد راه رشد هنر مینیاتورسازی ماوراءالنهر در قرن هفدهم تجدید نظر کنیم. اینک به تشریح مدارک مذکور میپردازیم.